

# دست سپاه پاسداران از سرکوب مردم و احزاب کردستان کوتاه!

## مرگ بر سپاه پاسداران!

حملات موشکی و پهبادی سپاه پاسداران به مقرهای احزاب کردستان ایران در خاک اقلیم کردستان در عراق در تاریخ چهارشنبه ۲۹ شهریور تکرار تبهکاری های شناخته شده سپاه است. اما کیست که نداند این حملات، این بارواکنش بیمناک جمهوری اسلامی به ضرباتی است که در سراسر کشور و کردستان از جوانان بی باک و مصمم به سرنگون کردن رژیمش خورده و می خورد؟ جمهوری اسلامی این بار از این که دو دشمن پایدار و دیرینه اش یعنی زنان و مردم کردستان چنین مورد اقبال و عشق و قدرشناسی در سراسر کشور قرار گرفته اند، از خشم به خود پیچیده و همچون درنده زخم خورده ای دندان نشان میدهد.

جنایت های سپاه پاسداران هرگز محدود به ایران نبوده است. چرا که سپاه فقط ارتش مسلح داخل مرزهای یک دولت خاص نیست، بلکه همچنین نیروی نظامی فرامرزی ای است که اهداف منطقه ای جمهوری اسلامی را به عنوان یک رژیم بنیادگرای اسلامی تعقیب می کند. جنایت های شاخه قدس سپاه پاسداران در سوریه در به خون کشیدن خیزش «بهار عربی» مردم آن کشور و سپس در جنگ سوریه تحت عنوان «دفاع از حرم» دست کمی از جنایتهایش علیه مردم ایران ندارد. درگیری دائمی سپاه در جنگ های کثیف منطقه ای یکی از هفت گسل مهمی است که حیات جمهوری اسلامی به آنها وابسته است. بنابراین مقابله با جنایت های فرامرزی نیروهای مسلح رژیم، در عراق و سوریه و لبنان و هر نقطه دیگر باید بخشی از مبارزات مردم داخل کشور باشد و از سوی همه جنبش های اجتماعی به ویژه دانشجویان و و معلمان و کارگران... جواب درخور بگیرد.

در این وضعیت در مورد چند موضوع باید بدون مصالحه اذهان را روشن کرد:

یکم) جمهوری اسلامی با همراهی جریان های شوینیست و برتری طلب «ایران شهری» تلاش می کند مبارزات مردم کردستان و احزاب کردستانی علیه ستم ملی و جمهوری اسلامی را با «تجزیه طلبانه» خواندندش تخطئه و تحقیر کند و اذهان را برای سرکوب خونین کردستان آماده کند. با این تبلیغات ذره ای نباید سازش کرد و در گام اول باید حقیقت مساله در مورد «تجزیه» را اعلام کرد و بر آن پای فشرد. از نظر ما کمونیست ها و از منظر حقیقتی که بازتاب واقعیت عینی است، پیش گذاشتن خواست جدایی از ایران توسط هر جریانی در کردستان یا دیگر ملل غیر فارس، یک حق سیاسی است. به رسمیت شناختن «حق تعیین سرنوشت ملل» شامل به رسمیت شناختن حق جدایی هم هست. ممکن است در هر مقطع زمانی معین، اعمال چنین سیاستی به نفع یا ضرر اکثریت مردم کردستان و به نفع یا ضرر همه کارگران و زحمتکشانش ایران باشد یا نباشد، اما یک حق است و همه ملل غیرفارس در ایران «حق تعیین سرنوشت» دارند و باید آن را به رسمیت شناخت. برای ایجاد اتحاد میان همه ستمدیدگان و استثمار شوندهگان ایران، چنین حقی باید به رسمیت شناخته شود و به فرهنگ آزادیخواهانه و عدالت طلبانه همگانی وارد شود.

دوم) به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت، امتیاز دادن به ناسیونالیسم گُرد یا ناسیونالیسم دیگر ملل غیر فارس نیست، بلکه باز کردن راه به روی ایجاد یک اتحاد انترناسیونالیستی میان همه ستمدیدگان و استثمار شوندهگان در نبرد برای آینده ای است که در آن تمایزات طبقاتی و جنسیتی و ملیتی برای همیشه رخت بر بسته باشد. بی تردید امکان تعیین سرنوشت آزادانه و داوطلبانه برای همه ملل غیر فارس، تنها با استقرار یک جمهوری سوسیالیستی نوین که از طریق یک انقلاب کمونیستی ساخته شده است، می تواند تحقق یابد و نه در چارچوب جمهوری اسلامی و نه در چارچوب هر دولت دیگری که مبتنی بر شیوه تولید سرمایه داری و اعمال کننده نظم جهانی سرمایه داری- امپریالیستی باشد. چگونگی تحقق تعیین سرنوشت آزادانه و داوطلبانه در سند پیش نویس «قانون اساسی برای جمهوری سوسیالیستی نوین ایران» در بخش چهارم

از ماده سوم تحت عنوان «ریشه کن کردن ستم ملی و غلبه بر نابرابری های میان مناطق و دیگر تفاوت های بزرگ» تشریح شده است.

سوم) این حق و تمام حقوق دیگر باید در مبارزات امروز به شکل آگاهی از آنها و به رسمیت شناختنشان، حضور داشته باشد. به رسمیت شناختن این حق بخشی از رفتار و افکار انترناسیونالیستی است و این انترناسیونالیسم پایه های عینی بسیار قدرتمندی دارد که کارکرد نظام سرمایه داری جهانی (سرمایه داری- امپریالیسم) با درهم تنیدن هر گوشه جهان و همه ملل در یک فرآیند واحد استثمار جهانی ایجاد کرده است و سرمنشاء تمام دردها و رنج های بشریت از جمله ستم ملی و شقه شقه و سلسله مراتبی کردن بشریت به طرق گوناگون است.

چهارم، از همین منظر، ما از مردم عراق به ویژه مردم اقلیم کردستان دعوت می کنیم که به دفاع از مبارزات زنان و جوانان ایران علیه حجاب اجباری و حکومت دینمدار فاشیست جمهوری اسلامی و به حمایت از احزاب کردستان ایران که در اقلیم مستقر هستند برخیزند و حکومت اقلیم کردستان را وادار کنند که دست از همکاری با جمهوری اسلامی و سپاه قدس آن بکشد.

اوضاع کردستان و سرنوشت همگانی ما جدا از اوضاعی نیست که در سراسر منطقه حاکم است. همان طور که زنده یاد رفیق امیر حسن پور تاکید کرده است:

تحت سیادت سرمایه، نظام بردگی دوباره قد علم کرده است؛ فروش و ترافیک زنان و کودکان به بخشی از نظام اقتصادی تبدیل شده است. بحران محیط زیست، که نتیجه مستقیم سلطه سرمایه است، زندگی انسان و بقیه موجودات زنده را به خطر انداخته است. جنگل، دریا و اقیانوس و رودخانه و خاک و آب و هوای کره زمین به شدت آسیب دیده اند. هر سال هزاران انسان که در جستجوی کار به اروپا و آمریکا پناه می برند با مرگ فوری یا تدریجی مواجه می شوند. ستم بر زنان و خشونت مردسالاری بیداد می کند؛ همه جا «جنگ علیه زنان» در جریان است. خرافات دینی، علم ستیزی، نژادپرستی، و فاشیسم دست در دست هم آینده تاریکی ترسیم می کنند... وضع دنیا به جایی رسیده است که یا باید نظام سرمایه داری را از میان برداشت یا سرمایه داری زندگی را از میان بخواهد داشت. انتخاب دیگری باقی نمانده است. اما روشن است که نیروئی جز جنبش کمونیستی توانائی و خواست این تاریخ سازی را ندارد. جنبش کمونیستی هم، آن طور که در گذشته بود، از عهده چنین مسئولیتی بر نمی آید. با کمونیسم پیشین نمی توان به آینده کمونیستی دست یافت و بدون «کمونیسم نوین» نه به درک درست گذشته می رسیم نه به ساختن این آینده. سنتز کمونیستی از کمونیسم گذشته و تدوین «کمونیسم نوین» کار سترگی است که باب آواکیان، در پروسه مبارزات وسیع در عرصه تئوری، سیاست و ایدئولوژی در سه دهه اخیر، موفق به انجام آن شده است....

مرگ بر جمهوری اسلامی! پیش به سوی جمهوری سوسیالیستی نوین!  
آینده ایران سوسیالیستی بدون آنکه کردستان برای آن بجنگد، غیر ممکن است!  
حزب کمونیست ایران (م.ل.م)

۶ مهر ۱۴۰۱